

ایران

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول :** محمد حسن روزی طلب
- سردبیر:** حسام الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- مصطفی وثوق کیا(فرهنگی)



سخن‌روز

امام حسین (ع) فرموده‌اند:
کسی که بخواهد از راه گناه به مقصدی برسد، دیرتر به آرزوی می‌رسد و زودتر به آنچه می‌ترسد گرفتار می‌شود .

بحالالتوار، ج ۷۸، ص: ۱۲۰

نگاره

کتاب پیامبر رحمت (ص)



رضا پدرالسماء / نقاش و نگارگر

فضای مجازی

انتشار یک اثر تازه موسیقی مشترک از دولت‌مند خالف و صادق آهنگران و یادی از سالروز تولد احمدرضا درویش از اخبار اهالی فرهنگ و هنر در فضای مجازی است



دولتمند خالف (خواننده و موسیقیدان تاجیکستان) به مناسبت ایام سوگواری محرم یک قطعه مشترک با صادق آهنگران مداح قدیمی تولید کرده است. این قطعه «حسینیه دل» نام دارد و شعر آن را علیرضا قزوه سروده است. این قطعه از تولیدات جدید مرکز شعر، موسیقی و سرود صدا و سیماست که ۳۰ اثر با موضوع محرم و عاشورا را به مناسبت این ایام تولید و برای پخش به شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی ارسال کرده است. قطعات موسیقایی جدید مرکز موسیقی و سرود صدا و سیما شامل ۶ قطعه به صورت نمایشگ و ۲۴ قطعه صوتی اکاپلا است که در این مرکز تولید شده است.



سال ۱۳۸۲ با کارگردانی درویش ساخته شد. فیلمنامه دول، یکی از فیلمنامه‌های بسیار خوب، در چند دهه اخیر سینمای ایران است. احمدرضا درویش ۲ بار برای فیلم‌ها دول و روز رستاخیز برنده سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر شده است و سیمرغ بلورین خود را برای فیلم دول در اختتامیه بیست و دومین جشنواره فیلم فجر به پُلمان بازگی اهدا کرد.»



کردیم، سپس به درخواست مالک، تخلیه کردیم... این بار هم باید ملک آموزشگاه را تخلیه کنیم. با این تفاوت که دیگر این چرخه معیوب و مسخره را تکرار نخواهیم کرد و آموزشگاه را تعطیل می‌کنیم. این را صادقانه عرض می‌کنم که کار فرهنگی در ایران، «خانمان سوز» است.



کردیم، سپس به درخواست مالک، تخلیه کردیم... این بار هم باید ملک آموزشگاه را تخلیه کنیم. با این تفاوت که دیگر این چرخه معیوب و مسخره را تکرار نخواهیم کرد و آموزشگاه را تعطیل می‌کنیم. این را صادقانه عرض می‌کنم که کار فرهنگی در ایران، «خانمان سوز» است.



کرد نیست. توهم توطئه نباید داشت، ولی بد نیست حواس مون به به‌سری چیزا باشه.»



کرد نیست. توهم توطئه نباید داشت، ولی بد نیست حواس مون به به‌سری چیزا باشه.»

یک اثر تازه در دنیای گمانچه نوازی

اردشیر گامکار در صفحه مجازی‌اش از انتشار اثر جدیدش خبر داده و نوشته: «کتاب دوم آموزش «شیوه گمانچه نوازی نوین» به کوشش دوستان هنرمندم سعید قربانی و امیر محمدرضایی جهت استفاده هنرجویان عزیز گمانچه نوازی در دسترس است و امیدوارم کتاب حاضر موجب پیشبرد و اعتلای ساز گمانچه و شیوه نواختن آن گردد.»

- آزاده سهرابی (اجتماعی) « بنفشه غلامی (جهان)
- لیدا فخری (اندیشه) « محمدرضا عزیززی (گزارش)
- زهرآ کشور (زیست‌بوم) « سعید زاهدیان (ورزشی)
- مهدی کلهرزاد(اجرایی)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
- محسن جانی پور (ویراستاری) « ابوالفضل نسایی (عکس)

نقل قول



وحیدرهبانی

بازیگر سینما و تلویزیون

هیج نگرانی ای بابت آینده ایران ندارم

واقعاً باور ندارم که ما در زمانه بدی هستیم. ایران دارای یک فرهنگ بسیار قدرتمند است که مانند چرخ‌دنده‌های غول‌پیکری که اتومبیل‌ها و قطعات بزرگ آهنی را در خود می‌بلعدند و له می‌کنند، یا هر چیزی مواجهه‌شود آن را در خود هضم می‌کند. خوشبختانه ایران ما چنین فرهنگی دارد. وقتی مغول توانست با فرهنگ ما کاری کند و بعد از یک دوره‌ای اتفاقات آنها شبیه ما شدند، ما دیگر باید از چه چیز بترسیم؟ من هیچ نگرانی ای بابت آینده ایران ندارم. اماچی می‌آید و می‌رود اما فرهنگ ایرانی مانند چشم طوفان است و گویی از آن بالا مسیر حرکت طوفان‌ها را هم هدایت می‌کند اما هیچ آسیبی نمی‌بیند. من نمی‌گویم که حال همه مردم خوب است. حال بد حتماً وجود دارد. باید جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان درباره آن صحبت کنند که من هیچ‌کدام نیستم. در حد خودم می‌دانم ما امروز با اختلاف‌ها و شکاف‌هایی مواجه هستیم که می‌توانیم درباره آنها حرف بزنیم. من هم در متن همین مردم زندگی می‌کنم و قطعاً هم بابت دودستگی‌هایی که دچارش شده‌ام ناراحتم، بخصوص که جزو گروه آشتی طلبانم. معتقد نیستم که ایران ما دچار مشکلی نمی‌شود. اما مهم این است که بدانیم این مشکلات را در خودش حل می‌کند. فرهنگ ایران بسیار قدرتمند است و این قدرت را هم فارغ از حکومت‌های مختلفی که در طول تاریخ آمده‌اند و رفته‌اند، ثابت کرده است.

بخشی از صحبت‌های وحیدرهبانی بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با مهر

پیشنهاد

آیین رثا در ضرباهنگ رسا



رضامهدوی

مدرس دانشگاه، معلم و نوازنده سنتور و منتقد هنری

فرقی نداشت نیزه و منبر، سر تو را

دیدیم درمشابعت این و آن حسین
ما سوگوار فرصت از دست رفته‌ایم

بیگانه‌ایم با ضربان زمان حسین

عبدالجبار کاکی

امروزه با اوج‌گیری تمدن و فرهنگ و دستاوردهای بشری در زمینه‌های شناخته‌شده، موسیقی نیز یک هنر اصلی و مهم و به‌عنوان زبانی رسا و گویا در کنار شعر و ترانه که قادر به بازگویی نهفته‌ترین احساسات و ژرف‌ترین پیچیدگی‌های روح بشری است، شناخته می‌شود و هر ملتی به فرهنگ موسیقی ویژه خود می‌بالد و آن را گرامی می‌دارد.

انسان اولیه غارنشین، هسته نخستین موسیقی را از طبیعت دریافت کرد، سپس طی سالیان و قرن‌ها، با اندیشه و مذاقه به آن رشد و اعتلا بخشید و هنر موسیقی را استقلال یافته از صداهای طبیعت به اوج و تکامل رساند و موسیقی جزء لاینفک زندگانی بشر شد و در تمامی عرصه‌ها حضور پیدا کرد و از زمینی‌ترین تا آسمانی‌ترین مباحث توانست فرازهایی را با موسیقی دینی و مذهبی در کنار آیین‌های ملی تولید و اجرا کند.

روح‌الله خالقی بزرگمد موسیقی دوران در کتاب «سرگذشت موسیقی ایران» اشاره دقیقی به گونه موسیقی مذهبی دارد: «موسیقی مذهبی از قدیمی‌ترین انواع هنر موسیقی است که در همه ممالک کم و بیش به کار می‌رفته و مخصوصاً در اروپا مقامی بزرگ یافته است، چنانکه بزرگترین موسیقیدان‌های قدیم مانند بیخ و هندل از کلیسا بیرون آمده‌اند. کلیسای عیسویان مهم‌ترین مشوق و بهترین وسیله ترقی و پیشرفت موسیقی اروپایی است... و تعزیه را یکی از بهترین وسایلی می‌داند که موجب حمایت و حفظ قسمتی از نغمه‌های ملی ایران شده است. در تعزیه موسیقی از راه آواز، نقش بزرگی برعهده داشت زیرا خواننده خوش‌الحان، بهتر می‌توانست در دل تماشاچیان و عزاداران رخنه کند. بنابراین جوان‌هایی که صدای گرم خوش‌آهنگ داشتند، برای نقش‌های تعزیه انتخاب می‌شدند و مدتی نزد تعزیه‌خوان‌های استاد، طرز خواندن صحیح را مشق و تمرین می‌کردند تا بتوانند اشعار را به ترتیب درست و با غلت‌های مناسب ادا کنند. به همین جهت خوانندگانی از مکتب تعزیه درآمدند که در فن آوازخوانی به مقام هنرمندی رسیدند.» دوران صفویه زمینه حذف و هدم موسیقی فراهم شده بود و این هنر تعزیه و مذهبی خوانی بود که موسیقی ملی را زنده نگاه داشت و زمینه تصنیف و ترانه‌خوانی و اوج انواع آوازخوانی‌ها شد. آواها و نغمه‌های مذهبی در اشکال گوناگون مثل مرثیه (که به غلط مصطلح روضه گفته می‌شود)، نوحه و دم (هر دو با هم مترادف تلقی می‌گردند) که در فیلمنامه دهخدا در کنار معانی گوناگون بیشتر در مراسم مذهبی به نغمه‌سای تلقی می‌شود که دم و بازدم در سینه و شش‌ها ایجاد می‌کند. ما بین مرثیه‌سرایی یا نوحه‌خوانی، دم زدن از فنون رایج در مداحی است. مداحی، دگرخوانی، چاوشی، زچرخوانی، مناجات‌خوانی، نعت خوانی، منقبت‌خوانی و تعزیه‌خوانی که عموماً به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی و گاه ترکیبی در مناطق مختلف ایران در کنار لهجه‌های شیرین هر منطقه وجود دارد، نمونه‌هایی برای عرض ارادت به دستگانه امام حسین (ع) برگرفته از فرهنگ عاشورای ۶۱

عکس‌نوشت

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نامبار: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک:** ۴۵۱۳۱۳۳۰۰۰ روابط عمومی: **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۳ • **۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸** • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارندة گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۰ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

نکته



حسام آنبوس

روزنامه نگار

ای تشنگان سوخته لب!
تشنگی بس است
سر برکنید ساقی آب آورآمده
این ساقی علم به کف بی‌بدیل کیست؟
عطشان در آب رفته و عطشان‌ترآمده
این ساقی رشید که در بزم می‌کشان
بی‌دست و بی‌پایاله و بی‌ساعزآمده

سعیدبیابانکی

«یا لَیْتُنِی کُنْتُ مَعْکُمْ فَأَوْقُزُ فَوْزًا عَظِیْمًا»، این جمله حکایت از ارادت و توجه شیعیان و محبان سیدالشهدا(ع) به ایشان دارد، که با گذشت قرن‌ها هنوز هم تکرار و یادآوری می‌کنند که اگر در آن روزگار بودند در آن معرکه جانبازی می‌کردند و امام حسین (ع) را تنها نمی‌گذاشتند. این منتهای عشق و ارادت شیعیان است که در رکاب آن امام جان خود را فدا کنند و به فیض شهادت برسند.

حکایت کرده‌اند که فردی شبانه‌روز این جمله ورد زبانش بوده و در آرزوی جانبازی در رکاب اباعبدالله‌الحسین (ع)



روزمان

زمان

«سنگ»

اثر قدسیه

پائینی

خواننده را

در موقعیت

یکی از

شقی‌ترین

انسان‌های

تاریخ قرار

داده و

داستان را

از زاویه دید

او روایت

کرده و ما را

در صحرای

عاشورا

در سمت

باطل

قصه قرار

می‌دهد

تا ببینیم

فاصله

خیلی

نیست

می‌سوخته و کاری از دستش بر نمی‌آمده است. شبی در عالم رؤیا خود را در ظاهر عاشورا مشاهده می‌کند که امام از او می‌خواهد مقابل تیرها بایستد تا ایشان و یاران نماز ظهر دهم را اقامه کنند. او با دل و جان در برابر صف نمازگزاران می‌ایستد و همین که صدای تکبیر نماز سیدالشهدا(ع) بلند می‌شود تیرباران آغاز می‌شود.

او با اولین تیری که به سمتش می‌آید مواجه می‌شود و به جای سپر کردن سینه، خود را از مقابل آن کنار می‌کشد و تیربر بیکر امام عاشورای‌می‌نشیند و او از خواب بیدار می‌شود و افسوس می‌خورد که آنقدر آماده نبوده که بتواند در عالم رؤیا هم از امامش حمایت کند.

این در حالی است که بسیاری همواره خود را در سمت لشکر حق تصور می‌کنند ولی به ذهن خود راه نمی‌دهند که اگر در آن زمانه بودند و فضا بشدت غبارآلود بود، چه انتخابی داشتند و در کدام سمت قرار می‌گرفتند.

ادبیات یکی از کارهایش می‌تواند همین باشد. اینکه ما در موقعیتی که هیچ‌وقت دل‌مان نمی‌خواهد در آن قرار بگیریم، بگذارد. اینکه تجربه‌ای را که بعد است نتوانیم خودمان کسب کنیم با کلمات برابیمان ملموس‌تر کند. اینکه ببینیم ممکن است اگر در موقعیتی قرار بگیریم چگونه با ما‌جرأ مواجه می‌شویم و چه موضعی داریم.

رمان «سنگ» اثر قدسیه پایینی این موقعیت را ساخته و خواننده را در موقعیت یکی از شقی‌ترین انسان‌های تاریخ قرار داده و داستان را از زاویه دید او روایت کرده و ما را در صحرای عاشورا در سمت باطل قصه قرار می‌دهد تا ببینیم فاصله خیلی نیست. زاویه دید مهم‌ترین اتفاقی است که در این رمان رخ می‌دهد و نویسنده با انتخاب زاویه‌ای که کمتر کسی سراغ آن رفته، روایت یکی از عاملان قتل سیدالشهدا(ع) را نوشته است. نویسنده در این کتاب به‌جای ایستادن در کنار یاران امام حسین (ع) در کنار اجتماع دشمنان ایشان ایستاده و برشی از زندگی یکی از قاتلان سیدالشهدا(ع) را برای ما بازگو کرده است. غنوبتی را که سنگ زدن به پیشانی و جسم امام دارد نویسنده به خوبی تصویر کرده است. شخصیتی که در معرکه با سنگ‌اندازی‌هایش آزار بسیاری به یاران سیدالشهدا و شخص امام حسین(ع) رسانده بود. در این داستان روزهای بعد از کربلا در زندگی‌اش را می‌خوانیم.

